

کمیجان

اشاره:

این مقاله بیشتر از آن که نگاه چپین به جهان را نشان دهد، آن طور که عنوان به ما می‌گوید، نگاه غرب به چین است. نویسنده می‌گوید که رشد اقتصادی چین با سیاست خارجی آن متوازن نیست؛ چین در حال تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی است و ممکن است تا پنج سال دیگر آمریکا را هم پشت سر بگذارد.

اما در همان حال این کشور در سیاست خارجی عقب افتاده است و حتی نمی‌تواند مشاجرات مرزی خود با همسایگان را حل کند.

در این مقاله رویکردهای سیاسی رئیس‌جمهور فعلی به تفصیل ارائه می‌گردد و به زعم نویسنده، رئیس‌جمهور فعلی در مقایسه با قبل از خود رادیکال‌تر بوده و حتی شعارهای وی مثل آنچه که در ارتباط با «رؤیای چین» می‌گوید، می‌تواند برای سایر کشورها پرهزینه باشد.

چین هرگونه که رفتار کند، این رفتارش بر میلیاردها انسان در سایر کشورها اثر می‌گذارد، زیرا این کشور دارای یک «اقتصاد بزرگ» است. به همین خاطر، توجه به رویکردهای سیاسی و اقتصادی یکن اهمیت پیدا می‌کند.

اما، نویسنده قصد ندارد از محاسن رشد اقتصادی چین و مدیریت موفق اقتصادی حزب کمونیست این کشور چیزی بنویسد.

ماحصل آنچه که در این مقاله رقم خورده است، به ما القا می‌کند که نویسنده‌اش یک فرد از خود راضی غربیی است. این نویسنده به ما می‌گوید که چینی‌ها انسان‌هایی خود کم‌بین هستند و احساس می‌کنند که تحقیر شده‌اند؛ اما نمی‌گوید که خود غربی‌ها و ابرقدرت‌هایی مثل انگلیس، آمریکا و ژاپن چقدر در ایجاد این احساس در چینی‌ها نقش داشته‌اند.

«لئوپولیتفو» دوست دارد در مورد دوران جدید اظهار نظر کند. او یک سب‌رهنگ بارنشتته و کسی است که حالت یک سرباز حرفه‌ای منضبط را دارد و هرگز در ایالات متحده نبوده است، با این حال، خودش را متخصص روابط چین و آمریکا می‌داند. او در ارتباط با این موضوع در دانشگاه دفاع ملی، پکن، یعنی محل آموزش «رئش ازادینج خلق»(پی‌اال‌سی) سخنرانی کرد. سه سال قبل «لیو» یک کتاب پر فروش تحت عنوان «رؤیای چین: اندیشه نوشت، لیو در این کتاب فصول توضیح می‌دهد که چین به یک رهبر نظامی فوقی نیاز دارد. او به ملت جدید حیات یافته خود چنین نصیحت می‌کند: «وقتی چین تهدید می‌شود، انتخابی جز دست‌یابی به جنگ برای دفاع از خود ندارد، تا بتواند بازدارندگی نظامی آمریکا را پشت سر گذارد.»

در ماه مارس «شنسی جین پینگ» فرزند متنفذ یک انقلابی حزب کمونیست، این‌جایبه‌جایی قدرت را تکمیل کرد کسی که (چینی‌ها) شاهد رهبری وی بر این تاقیم در دهه آینده خواهند بود. «لیو» (اکتون) سرحال است. از زمان صعود «شی»-او نوامبر (آذر) گذشته رهبری حزب کمونیست چین را به دست گرفت و سه ماه قبل رئیس‌جمهور شد- او لحنش را در مورد مشاجرات مرزی تند کرد و به عدله پیش‌بینی نمود که چین تا سال ۲۰۴۹ رهبر ۵۹ ساله که طی روزهای هتمن و هشتم ژوئن (۱۸ و ۱۹ خرداد) در نشست غیررسمی دو روزه سران در کالیفرنیا با رئیس‌جمهور «اراک اوباما» دیدار کرده است، (به مردم خود) هتدار داد که بی‌الی‌باید «برای جنگ آماده» باشد. او احداث تأسیسات نظامی داخلی طاهری بی‌شماری را در داخل (کشور) آغاز کرده است. خیلی‌ها می‌گویند که او «رؤیای چین»- عبارت مورد استفاده لیو- را به عنوان شعار خود پذیرفته است و به تازگی می‌دهد که «ما باید به جایگاه اولایی که در شأن ملت چین است، نایل شویم، و ما باید مطمئن شویم که میان مردم سعادت‌مند کشور و ارتش وی وحدت یابد»

این اظهارات در دسامبر (آذر) گذشته و در زمانی صورت گرفت که «شی» طی سفرش به دریای جنوب چین، بر آزمایش موشک‌های هدایت‌شونده ناوشکن نظارت می‌کرد، یعنی ابراهسی که چین مدعی مالکیت بر بخش اعظم آن است، ادعایی که بیشتر باعث خشم دیگر کشورهای آسیای شرقی است.

جدید چین در منظر عامه، مقابل شخصیت آرام شخص قبل از وی یعنی «هو جین تائو» قرار می‌گیرد، کسی که عبارت «توسعه صلح‌آمیز» و «جامعه ماهرانگ» را به عنوان شعار رهبری خود انتخاب کرده بود- شاید این اهداف که قدر کافی خویاندین باشند، او قویا ظهور یک ابرقدرت را اعلام می‌کند. «یوپن نامیائو» نیز شناسا و کسی که در کتاب اخیرش «چین جهانی می‌شود: قدرت محدود» جا پای جهانی این کشور را بررسی کرده است؛ او می‌گوید: «شی از زبان خیلی تندی استفاده می‌کند، این خیلی نگران‌کننده است و نوع ملی‌گرایی خیلی تندتری را در مقایسه با «هو» (رئیس‌جمهور) قبلی‌اش آشکار می‌کند.

در دهه‌ها نگاه به چین اینگونه بود که برخورد شرق و غرب چقدر آسان است: یک تمدن باستانی غرورآمیز باعث شد که قایق‌های توپدار خارجی، تریاک انگلیسی و تجاوزات رمان جنگ زاین متوجه این کشور شوند. هر وقت جمهوری خلق (چین) با جهان طرف می‌شود، مثل یک نفر قعدهای عمل می‌کند، و پیشگامان «شی» نیز سخنرانی‌هایشان را با منابع اتهام‌آمیزی چون «یک قرن تحقیر» در بخش‌های خارجی مزین می‌کنند. غرب یکجا به عنوان یک ازیاب متکبر، دشمن دم‌وکراسی، و محرک مخالفان نظام دیده می‌شود. این حس در مورد بی‌عدالتی تاریخی (در میان چینی‌ها) تا آنجا بالا گرفته است که این انتظار در نظر مردم و دولت شده است که بیشتر قدرت فراینده اقتصادی چین را محو کند. اما به قدر رسدین رئیس‌جمهور «شی»- به عنوان یک وطن‌پرست متکبر و با اصل و نسب سیاسی- منادی دوره جدیدی از تعامل چین با جامعه بین‌المللی است. «شی» و رؤیای چینی وی را به‌جای اینکه از هر چیزی فقط یک وضعیت مغلوب، محقر و آزرده بسازند، او را کشور قدرتمند در نظر می‌گیرند که با متحدان جدیدی جایگه بر حق خود در جهان از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

به همین خاطر، گفت‌وگوی کشی- (باراک) اوباما که رهبر چین آن را «رباط حساس» خواند و به گفته وی، می‌تواند نشانه «نوع جدیدی از

برابریه‌ها دانسته می‌شود. از دیدگاه چینی‌ها، پادشاهی دوره مینانه (چین) به چند قرن نایمبون، بر کل کره زمین مسلط بود، چرا در قرن بیست و یکم نباید در این کره حکومت به حالت طبیعی بازگردد؟ «لیو» می‌گوید:

تا چین با غرب رقابت کند و به شکوه سابق خود به عنوان قدرتمندترین و متمدن‌ترین کشور روی زمین برسد.»

رسانس چین اکنون روایتی آشناست، ولی داستان مسیر گیج‌کننده آن چند روز پزیر است. کشوری که نیم قرن پیش آلبانی را به عنوان یکی از تکر شدیک تجاری خود به حساب می‌آورد، اکنون دومین اقتصاد بزرگ

نیست- و می‌تواند طی پنج ساله آمریکا را، به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد تحت‌الشعاع قرار دهد. حزب کمونیست چین سریع‌ترین و بزرگ‌ترین توسعه ثروت که تاکنون هیچ کشوری آن را تجربه نکرده بود را مهندسی کرده و ۳۰۰ میلیون نفر را از فقر مطلق نجات داده است. سنگینی گنجینه عالی چین در جهان به دوش می‌کشد: ۸۳ میلیون مسافر ماوراء بحار این کشور پرزده‌ترین مسافران جهان هستند: بانک‌های این کشور بیشترین ذخیره مالیات‌ارزی را دارند؛ کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها و وسایل نقلیه آن بیشترین



آیا چین ابرقدرت اقتصادی می‌شود؟

ازدهای زرد جهان را چگونه می‌بیند

منبع: تأیام

مترجم: سبجان محقق

گاهی گلخانه‌ای را تولید می‌کنند؛ مصرف‌کنندگان این کشور رتبه نخست را در خرید کالاهای لوکس به خود اختصاص داده‌اند هر چند درآمد سرانه از تولید ناخالص داخلی بر منای محاسبه قدرت خرید، و پایگاه‌های برابر هنوز پایین‌تر از کوبه، پرستان، و تونس است.

چین احتمالا تا سال ۲۰۱۵ تبدیل به بزرگ‌ترین بازار مصرف جهان می‌شود. هر چند هم‌اکنون هم بزرگ‌ترین صادرکننده روی سیاره بوده و یکی از پنج کشور اول فروشنده سلاح است. (باید دانسته شود که چین چگونه مسائل جهان را می‌بیند زیرا آرزوها، ذاتقه‌ها و ترس‌های چینی‌ها زندگی میلیاردها نفر را در سر تاسر جهان شکل می‌دهد. درحقیقت، پس از یکی دو قرن نهنگی، ممکن است که چین- و نگرش جهانی آن- یک بار دیگر حکایت دوران ما را را به ما دیکته کند.
قدرت‌های بزرگ تاریخ را می‌نویسند و اگر رؤیای چین «شی» فرصت اجرا پیدا کند، این قرن به ملتی تعلق خواهد یافت که در هزاره گذشته خود را پادشاهی میانه می‌نامیده است.
پس با وجود این، اوچگیری چنین در صحنه جهان نمی‌تواند برخی از واقعیت‌های ناخوشایند را بپوشاند. علی‌رغم میلیاردها دلاری که برای بخش قدرت نرم ریخته (و هزینه) می‌شود و از ساخت جاده و بیمارستان در کشورهای درحال توسعه تا حمایت مالی از کلاس‌های زبان چینی در غرب را در برمی‌گیرد، تصویر بین‌المللی چین بی‌بی‌سی: ماه گذشته صورت گرفته نظرسنجی که توسط بخش جهانی «بی‌بی‌سی» ماه گذشته صورت گرفته است نشان داد که تلقی منفی نسبت به چین طی سال گذشته هشت امتیاز بیشتر شد و به ۳۹درصد رسید. حتی در بخش‌های آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا که به کمک‌ها و سرمایه‌گذاری چین متکی هستند، شرکت‌های چینی به استثمارکنندگان حریص منابع طبیعی شهرت یافته‌اند. توسعه‌طلبی نظامی این کشور و ادعاهای ارضی در آسیا و جنوب و شرق دریاهای چین همسایگان این کشور را می‌ترساند، در اینجا به حملات سایبری که گفته می‌شود تحت حمایت دولت هستند و زدنی‌هایی که از (اسناد) سری صنعتی، و نظمی آمریکا می‌شود اشاره نکردیم،

مواردی که اوباما مطمئن است در دوره «شی» افزایش می‌یابد، او به این مسئله زلمی که آنها با هم در «سنای لندن» ملکی خصوصی در کالیفرنیا دیدار کردند پی بر برد، در میان متحدان واقعی اندک یکن- حتی اگر این اصطلاح صرفا کاربرد ضعیفی داشته باشد- می‌توان از چین شمالی، روسیه و پاکستان نام برد. چین جدای از نقش برجسته‌ای که متناسب با وزن اقتصادی اش در امور بین‌المللی دارد، در سیاست خارجی عقب مانده باقی می‌ماند؛ موقعی که می‌توانست از نفوذش برای افزایش ثبات منطقه‌ای استفاده کند، اغلب جخالی می‌کند و زمانی هم که می‌خواهد به مشکلات مرزی‌اش با کشورهای کوچک‌تری چون ویتنام و فیلیپین برپرداز، سرورصدا راه می‌اندازد. «ژنگ‌یانگ‌نیان» مدیر موسسه آسیای شرقی در دانشگاه ملی سنگاپور می‌گوید: «چین از سایر کشورهای جهان احترام می‌خواهد، اما احترام واقعی را خیلی کم به دست می‌آورد.» درحقیقت، چینی‌ها چه دولت و چه جامعه تجاری این کشور، اغلب واقعا متحیر می‌شوند وقتی گرمی‌یابند که بی‌بی‌بالا گرفتن تنش‌های مرزی و کوبیدن بر طبل جنگ از جانب یکن، کمک‌های فراوان خارجی و شراکت تجاری‌شان را افکار جهان نادیده می‌گیرد. علاوه بر آن، ادعاهای چین در خارج باعث می‌شود که رشد نامنی در داخل نادیده گرفته شود.

در حالی که رشد بی‌چون و چرای چین ممکن است در غرب امری پذیرفته‌شده باشد، ولی مردم چین نسبت به نفوذ خود در آینده خیلی مطمئن نیستند. توسعه بزرگ‌ترین اقتصاد جهان نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد. چین باید خودش را از وابستگی به صادرات تکنولوژی پایین جدا سازد، اما انتقال به اقتصاد دانش‌محور و خدمات نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و مدت طولانی است.

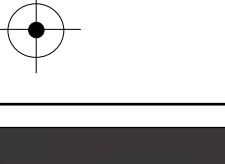
در سال ۱۷۹۳ یک سفیر بریتانیایی به نام «لرد مکارتی» با امید گشایش یک سفارتخانه به حضور امپراتوری چین رسید. او منتخبی از هدایای کشور تازه صنعتی شده خود را برای امپراتور آورده بود. امپراتور «چیان‌لونگ» که در آن زمان کشورش یک سوم تولید ناخالص داخلی جهان را داشت، در نظر می‌گذاشت که با نامهای برای ام «جرج سوم» نوشت و در آن چنین گفت: «فروتنی و فرمانبرداری تو به وضوح قابل مشاهده است، اما ما کوچک‌ترین نیازی به تولیدکنندگان کشور شما نداریم.»

به گزارش سایت دنیای اقتصاد در دهه ۱۸۲۰ بریتانیا با قایق‌های مجزه به توپخانه بازگشت تا چین را به تجارت آزاد مجبور کند. تلاش‌های چین برای اصلاحات اما به فروپاشی و تحقیر انجامید و سرانجام به «هاونوسم» ختم شد.

این سنت سفرو فوق‌العاده را در مسیر بازگشت به عظمت پیموده است. صدها میلیون نفر توانسته‌اند خود را از فقر درآورند و صدها میلیون نفر دیگر به فشر متوسط پیوسته‌اند. چین در آستانه آن قرار گرفته است که جایگاه مناسب خود را در جهان بازیابد. نفوذ چین در سطح جهان در حال گسترش است و انتظار می‌رود طی یک دهه آینده اقتصاد این غول آسیایی از اقتصاد آمریکا هم سبقت گیرد.

«شی‌جین پینگ» رئیس جدید حزب حاکم کمونیست، این خیزش را با شعار جدید خود ادامه می‌دهد. شعاری که از مرگ مارکسیسم و پیدایش ملتی متنوع خبر می‌دهد. او نام دکترین جدید خود را «رویای چینی» نهاده است. چنین شعارهایی در چین از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. تشریفات خبری مملو از این شعار شده‌اند. در مدارس مسابقات سخنرانی درباره این موضوع برگزار می‌شود، یک برنامه تلویزیونی استعدادیابی آواز، در جست‌وجوی

دریچه ای به جهان kharegi@kayhannews.ir



چین همچنین در گیر منازعات دریایی در دریای جنوب چین است؛ موردی که این کشور را مقابل چهار کشور دیگر رقیب که در این آبراه وسیع شریکند، قرار می‌دهد: ویتنام، مارتی، برونی و فیلیپین (و البته تایوان نیز مدعی است). پکن می‌گوید حدود ۸۰درصد این دریا را مدتها چین متعلق به خود می‌دانست. است اما در قرن گذشته از آنجا که در بافتل مشکلات بی‌شمار ملت‌سازی فرو رفته بود، وقت کمی را به این مسائل اختصاص داده است. اکنون رفتار چین قدرمیانته شده است. در سال جاری چین روی کشتی ویتنامی را از آب‌های مورد منازعه آتش گشود. سال گذشته شماری از کشتی‌های مسلح چینی ماهیگیران فیلیپینی را از سواحل کم‌عمق مورد منازعه بیرون کردند. «شی» کنترل لیبی و واکنش سریع که حوزه‌های دریایی را پوشش می‌دهد را در دست گرفته‌است؛ مدیریت تان این حد و اندازه کوچک توسط رهبر چین، امری غیرمعمول است. یانگ از دانشگاه شیگاگو می‌گوید: «این یک پیام یکنجانبه از جانب «شی» است مبنی بر اینکه هر بخش از قلمرو، در هسته منافع ملی قرار دارد و اینکه چین قصد واگذاری هیچ زمینی را ندارد. این یک بازی بسیار خطرناک است.»

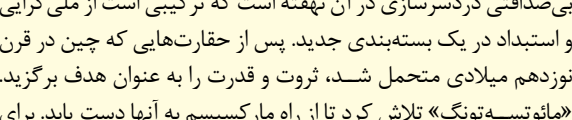
رفتار چین حتی کشورهایی که درگیر مشاجرات مرزی با آن نیستند، را نیز از چین بیزار می‌کنند. سنگاپور را در نظر بگیرید؛ دولت- کشور جمع‌وجوری که اکثریت جمعیت آن را چینی‌های بومی تشکیل می‌دهند. «لی‌کوان‌یو» بنیانگذار آن، مجدانه پیوندهایی را با یکن ایجاد کرد. با وجود این، پسرش «لی‌هسین‌لونگ» نخست‌وزیر، سال گذشته درحالی که داشت از مدرسه مرکزی حزب در یکن بازدید می‌کرد، یعنی جایی که قلب ایدئولوژیک حزب کمونیست چین محسوب می‌شود و «شی» تا سال گذشته ریاست آن را برعهده داشت، یک پیام هشدارآمیز داد: «لی» دفاع جانانه‌ای از آمریکا کرد، و آن طور که او متذکر شد، (امریکا) «کشوری در حال اضمحلال نیست»، آن طور که برخی از چینی‌ها در مورد آن سرورصدا کرده‌اند. «لی» گفت: «امریکا بی‌نهایت انعطاف‌پذیر بوده و یک جامعه خلق است، کشوری که استعدادها را از سراسر جهان، از جمله شمار زیادی از چین و بقیه آسیا جذب و هضم می‌کند.»

فرزاد گر

آقای «گوان» می‌خواهد (از کشور) خارج شود؛ این‌غول ثروت یکن نمی‌داند که او بالاخره کجا خواهد رفت، شاید به یک مزرعه در استرالیا یا یک شامپورزی در غرب آمریکا. همه آنچه را که او می‌داند این است که او را تبدیل به یک میلیونر کرد، دیگر عالق او را برآورده نمی‌کند. او با اشاره به اینکه بسیاری از دوستان ثروتمندش اکنون اقامت دائم در خارج دارند، هر چند که گذرنامه ندارند، می‌گوید: «بی‌زده بگویم من اعتماد به این کشور یافته‌ام» و در همان حال «یک کشور دیگر (امریکا) ائتلاف نظامی خود را از آسیا- اقیانوس آرام تقویت کرده، حضور نظامی خود را در منطقه توسعه داده و بهطور متناوب شرایط را در آنجا متشنج‌تر می‌کند.» از آنجا که سایه چین بزرگ تر (از اندازه خودش) دیدار می‌شود، دیگر کشورهای آسیای- از جمله کشورهایی که سابقا نسبت به آمریکا کینه داشته‌اند، مثل ویتنام- از آمریکا خواسته‌اند که حافظ صلح در آب‌های منطقه‌ای باشند.

علاوه بر آن، امریکا ملزم است که طبق پیمان (امضاء شده) از امنیت ژاپن دفاع کند- و البته تایوان که یکن آن را بخشی از تمامیت ارضی خود می‌داند نیز همین احساس را دارد. طی چند ماه اخیر کشتی‌های گشتی چین به صورت گروهی در دریای شرق چین از نزدیکی جزایر کوچک و پرآکنده‌ای که چینی‌ها به آن «یانپوو» و ژاپنی‌ها «سنکاگو» می‌گویند، عبور می‌کردند؛ این صخره‌های غیرمسکونی تحت حاکمیت ژاپن قرار دارد، اما چین مدعی پیوندهای تاریخی با این منقله است؛ منطقه‌ای که از لحاظ گاز طبیعی و منابع ماهیگیری ری می‌است.

رؤیای رهبر چین



«صدای رویای چینی» است.

دنبالش است، چیست؟ به نظر می‌رسد رویای او شامل آرزوهایی به سبک آمریکایی است، که البته آکونومیست از آن استقبال می‌کند اما علاوه بر آن بی‌صدقی در‌دسرسازی در آن نهفته است که ترکیبی است از ملی‌گرایی و استبداد در یک بسته‌بندی جدید. پس از حفارت‌هایی که چین در قرن نوزدهم میلادی متحمل شد، ثروت و قدرت را به عنوان هدف برگزید.

امریکایی‌ها می‌خواهند که صاحب خانه شوند، بچه‌هایشان به دانشگاه بروند یا حتی از تفریحات برخوردار باشند. اما به نظر می‌رسد توجه

«شی» بر ادعای حزب برای قدرت بلامنازع معطوف است. او در سخنرانی اخیر خود از «روحیه قوی ارتش» سخن به میان آورده است.

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۲

۷ شوال ۱۴۳۴ - شماره ۲۰۵۶۶

۵۰۰ هزار دلار هزینه است، چینی بودند) وجوه متعلق به خود کاترین چقدر است؟ حداقل ۱۵ هزار دلار.

سابقا مهاجرت برای چینی‌ها فرار از جنگ و یا قطعی معنی می‌داد، کارگران راماهن که به طلای کالیفرنیا هجوم می‌آوردند یا جمعیت‌هایی که در امکان استنچاری نیویورک‌سیتی به سر می‌بردند (برای کشف طلا) ماهیتهای‌ها را تکان می‌دادند. اما امروزه بیشترین مهاجران چینی مثل گوان، ثروتمند هستند. در سال ۲۰۱۱ حدود ۸هزار چینی گرین کارت آمریکا را دریافت کردند. (پکن اجازه تابعیت دوگانه را نمی‌دهد، به همین خاطر برخی از چینی‌ها ترجیح می‌دهند که اقامت دائمی و شهروندی در خارج را بپذیرند) «لی‌یانان» یک زن تاجر چینی که در سال ۲۰۰۲ وارد سنگاپور شد، می‌گوید: «من یک زندگی بهتر می‌خوامستم، ولی نتوانستم آن‌را در چین به‌دست آورم. بسیاری از معامله‌ها در کشور زیر میزی انجام می‌شود، و من از این کار خسته شده‌ام.»

از آن زمان تاکنون مهاجرت گروهی از چین افزایش یافته است. به رغم همه چیز، ثروتمندان چینی مجبورند همان هوایی را تنفس کنند که هرکس دیگری می‌کند، دود در مراکز شهری اوایل سال جاری رکوردها را شکست، و آلودگی‌ای که دودش از دود سیگار یک ولگرد سیگاری هم جلو افتاده است. رسوایی‌ها در مورد سلامت غذایی، که از رودخانه مملو از خاک‌های مرده تا کودکان سموم به خاطر داروهای تقلبی را دربرمی‌گیرد، کار ساده خوردن را پرهامطره می‌کند. این نیز مایه نگرانی است که ستاد مرکزی انتخابات «شی» به خاطر فساد تعطیل شده است، امری که می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری پریسک را به خطر بیندازد. مقامات فاسد چینی عادت دارند که به خارج فرار کنند. در سال ۲۰۱۱ طبق گزارش ناظر آمریکایی شفایت مالی جهانی، چین بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار فرار غیرقانونی سرمایه داشته است.

تقریبا ۳۰۰هزار چینی هر ساله در آن سوی دریاها تحصیل می‌کنند و بخش اعظم آنها هزینه خود را کامل می‌پردازند. حتی اگر مدرسه‌های منتخب چینی نمرات بالایی را در سازمان به خاطر صرفه‌جویی اقتصادی و افزایش نمرات ریاضی، بهبود خواندن و عملکرد علمی (دانش‌آموزان) ۱۵ساله کسب کند، باز هم بسیاری از والدین در ارتباط با شایستگی این سیستم آموزشی که مبتنی بر حفظ کردن دروس است، نگران هستند. در عمل هر یک از اعضای کمیته حاکم چین، یعنی هر هفت مردی که بر این کشور حاکم هستند، دارای خانواده‌های گسترده‌های هستند که در خارج درس می‌خوانند. حتی «شی» دخترش را به هاروارد فرستاد. وضعیت آموزش و پرورش چین خصوصا بستگی پیدا می‌کند به اینکه چین باید با پشتوانه صادرات ارزان، اقتصاد را به جلو ببرد. تاکنون دانشگاه‌های چین مشغول‌های کم‌درآمدی را برای کسانی که دست به اختراع می‌زنند فراهم کرده است. همانطور که «لی» در سنگاپور سال گذشته متذکر شد، همه هشت برنده جایزه نوبل علمی چینی- آمریکایی بوده‌اند یا بعدا آمریکایی شدند. «فسی لای» مدیر بازارباز «روادید بین‌المللی» یکی دیگر از آژانس‌های مهاجرت چینی که گزیده‌های سفر به «هنت کیتش» و «تویاس» و «ونواتو» را به صورت دوره‌گردی می‌فروشد، می‌گوید: «ولت ما نمی‌تواند آموزش و پرورش خوب، رفاه و حسن امنیت بوجودد آورد. چینی‌ها معتقدند که این موارد را می‌توانند در دیگر کشورها بیابند.»

رؤیای محترم

«شی» پس از صعود نه چندان آسان به پیشگاه خانه، به کسانی که پرچم تکان می‌دهند دلگرمی می‌دهد و توده‌ها را علیه دشمن مشترک به اتحاد دعوت می‌کند؛ این دشمن می‌تواند آمریکا، ژاپن، یا حتی فیلیپین باشد. جوانان چینی که بهوسيله آموزش و پرورش وطن‌پرستانه شارژ شده‌اند، انتظار دارند که رهبرانشان مقابل جبهه خارج بیایند. اما بهار امید نشریاعی «بیبول دیلی» روزنامه رسمی دولت به صورت آنلاین از مردم سؤال کرد که آیا با عبارات «شی» از جمله آرمان‌های مرتبط با رؤیای چین موافق هستند یا نه؟ از هزاران نفری که به این سؤال پاسخ دادند، حداقل ۷۰درصد گفتند مخالفان و ارمان‌های رهبر جدید خود هستند. این نظرسنجی خیلی سریع از پایگاه اینترنتی برداشته شد. رؤیای چین «شی» به این خاطر طراحی شد که برخی از مشکلات اجتماعی چین را سرورصمان دهد، اما نگرانی واقعی او شاید درازی عمر حزبی باشد که به مدت بیش از شش دهه حکومت کرده است. «شی» نخستین سفرش را به عنوان رئیس‌جمهور چین، به جنوب این کشور انجام داد؛ آزمایشگاه سرمایه‌داری و جایی که سه دهه قبل «دنگ شیائوپینگ» اصلاحات بازار را به اجرا گذاشته بود، اقدامی که کشور را از نو ساخت، اما «شی» هیچ ابتکار جسورانه‌ای انجام نداده است در عوض، او طی یک سخنرانی درون حزبی که بعدا (به بیرون) درز بزرگ کرده است، در مورد خیات به میراث کمونیسم چین



▪️ جوانان چینی به خاطر آموزش‌های خاصی که در مدارس دیده‌اند، انتظار دارند رهبرانشان مقابل جهان خارج بایستند.

▪️ خارجی‌ها شاید رشد سریع چین را پذیرفته باشند، اما مردم چین نسبت به نفوذ خود در آینده خیلی مطمئن نیستند.

هشدار داد. طبق نقلی قولی که درز پیدا کرده است، او پرسید: «چرا اتحاد شوروی از هم فرو پاشید؟ یک دلیل مهم این بود که آرمان‌ها و اعتقادات آنها (رهبران شوروی) متزلزل شده بود. این یک درس بزرگ برای ماست. نادیده گرفتن تاریخ اتحاد شوروی… به معنی مجذوبی بی‌مغزایی تاریخی شدن است، و این افکار ما را معشوش می‌کند و سازمان‌های حزب را روبه تحلیل می‌برد.»

این وسواس برای اجتناب از دچار شدن به سرنوشت اتحاد شوروی، یک خوسی می‌تواند جلوی حزب کمونیست را برای انجام اصلاحاتی که ملت را قوی‌تر و تصویرش را در خارج بهتر می‌کند؛ بگذرد. در ماه آوریل- حتی روزنامه‌های دولتی تلاش‌های «شی» را علیه سواستفاده‌ها منعکس می‌کردند، این تلاش‌ها شامل برخورد شدید با مهمانی‌های گازوف و خودروهای گران‌قیمت برای مقامات دولتی می‌شد. تعدادی فعلی (سیاسی) در پکن بازتابت شدند پس از اینکه لارادی در دست داشت که بر روی آن نوشته شده بود: «هگر اینکه ما بخواهیم به کار مقامات فاسد پایان دهیم، رؤیای چین در حد یک خیالیباقی خواهد ماند.» تحقیقاتی که به وسیله رسانه‌های خارجی درباره ثروت اعضای خانواده رهبران چین صورت گرفته، از طریق این اینترنت ارایه شده است. تلاش‌ها برای پاک‌سازی هوا به خاطر دسوتوراتی که از جانب رقبا صادر می‌شد، با شکست مواجه گردید که به نرشد سرمایه‌های همه هزینه‌هایی که دارد، همچنان حفظ شود. «هوی‌یو» یک محقق ارشد همکار در دانشگاه ملی سنگاپور می‌گوید: «چینی‌های متوسط شهرنشین نمی‌توانند بگویند که زندگی در حال حاضر بهتر از پنج سال پیش است. مردم درک می‌کنند که رشد تولید ناخالص داخلی به اندازه کیفیت زندگی با اهمیت نیست.»

از زمانی که سلطنت باستانی چینی‌ها روبه اضمحلال رفت، چنین انتقافتی روبه افزایش نهاد البته نظارن چین مرگ جمهوری خلق را تا نیم قرن آینده پیش‌بینی کرده‌اند، فقط به این خاطر که ثابت می‌شود اولین تجربه یک تجربه اشتباه بوده است. برای مثال، به پنج هزاره تمدن را در او می‌کشد، درس‌هایی که در گذشته تجربه کرده بسیار است، اما موردی از سلطنت «تاندگ» (۹۰۷-۶۱۸) در اینجا ذکر می‌شود؛ یعنی زمانی که چین به درستی می‌توانست خود را «رونگ‌گو» یا «سلطنت مینانه» بنامد. ژوآوران تانگ به جهان باروت و دستگه‌ها چاب و چویی را ارایه کردند. بهترین و درخشان‌ترین چیزها از چین وارد چین می‌شد، اما پایتخت امپراتوری «چانگ آن» (امروزه ژان سین) مکانی چند رزانه بود و در آنجا یک سوم جمعیت خارجی بودند: بازارگانان پارسی، راه‌بهای ژاپنی و سرانژبهزهای ترک. امروزه جمعیت خارجی یکن کمتر از یک درصد کل آن است. (در نیویورک سیتی حدود ۳۵درصد جمعیت را کسانی تشکیل می‌دهند که در خارج متولد شده‌اند)، به آن باید توجه شوی مغزی نخبگان چین را نیز بیفزاییم. «وانگ هوی بانو» که مرکز «چین و جهانی شدن» را در یکن مدیریت می‌کند، می‌گوید: «معمولا سرمایه‌ها هستند که به بیرون از هر کشور سرازیر می‌شوند. اما چین سرازیر شدن استعداد به داخل را ندارد، ما یک کسری عظیم مواجه هستیم، و این امر کار ما را برای ترقی در آینده مشکلات‌تر می‌کند، به این حال، چین جهان را چگونه می‌نگرد، آهمیتش به همان اندازه است که بدانیم چین جهان را چگونه می‌نگرد.